

بسازم باید به این قصد باشد یا مثلاً شهر بازی ای که در مشهد ساخته می شود باید بازی هایی داشته باشد که انسان را به خدا نزدیک کند، معرفت و شناخت الهی بدهد، در حالی که امروز شهر بازی درست کرده ایم که همه اش غربی و نماد سیندرلا و مرد عنکبوتی و... است، ولی در طرح هشت بهشت قرآن دو شهر بازی کامل با مفاهیم قرآنی پیش بینی شده است.

با همین مقدمه درباره طرحمان به قرآن مراجعه کردیم تا به پاسخ این سوال برسیم که آیا در مشهد اماکن مذهبی بسازیم که یادآور خدا باشد یا اینکه جاهایی بسازیم که تفریحی باشد و ربطی به این موضوع نداشته باشد. سوره کهف داستانی در مورد اصحاب کهف روایت می کند: وقتی که بر مردم اعم از مومنان، کافران و منافقین روشن می شود که اصحاب کهف در آن غار بوده و به اراده خداوند مرده و زنده شده اند، عده ای می گویند بیاییم یک عمارتی اطراف اینجا بسازیم که مردم به خاطر این عمارت بیایند و بعد به زیارت بروند. این نظر، همان نظر کافرین و منافقین بود، عده ای دیگر می گویند به جای اینکه عمارتی بسازیم، بیاییم محل عبادتی بسازیم که مردم نماز بپا دارند و در ضمن زیارت هم بروند. ایده دوم در قرآن مورد تایید قرار گرفته است.

یک مسئله ای دیگر مربوط به آیه «الا به ذکر الله تطمئن القلوب» که یعنی انسان با یاد خدا قلبش آرامش می گیرد. مکان هایی مثل شهر بازی، پارک های آبی و بازار برای انسان آرامش نمی آورد بلکه فراموشی موقت می آورد و بعد از مدتی انسان دوباره نا آرام می شود؛ آنچه برای آرامش در احادیث توصیه شده، رفتن به عبادتگاه زیارتگاه و زیارت اهل قبور است.

پس تمام احادیث و آیات دال بر این است که حرم مطهر را باید

در همه مشهد گسترش دهیم. یعنی تمام اماکن اطراف باید ما را به یاد خدا بیاندازد. بایستی حرم رضوی را بزرگ کنیم، و فرهنگ رضوی را در مشهد گسترش دهیم نباید حرم رضوی فقط به چهار دیوار حرم مطهر حضرت رضا(ع) محدود باشد.

طرح «هشت بهشت قرآن» نیز با همین هدف است که هم به یاد خدا باشیم و هم با تفریح همراه با معرفت موجب گسترش اقتصاد مسلمین شویم. این بهتر از این است که صرفاً به مادیات فکر کنیم. در تفسیر المیزان می گوید آنهایی که این مجموعه ها را می سازند نباید ادعا کنند که برای این خاطر است که مردم وقتی می آیند ابتدا به این مکان ها بروند و بعد به زیارتشان برسند. اگر کسی چنین نیتی داشته باشد، دارای نفاق است و فقط به خاطر دنیایش این کار را می کند.

در شهر مشهد عده ای می گویند مشهد اصلاً کارکرد تفریحی ندارد و عده ای نیز می گویند وجود اماکن تفریحی و اقتصادی نیاز است اما باید در جهت زیارت باشد، درباره این جهت گیری که در سخنان شما بود بیشتر بگویید.

این جهت گیری ها الان در حد حرف بین مسئولین مانده است بله یکی از آقایان گفته بود اصلاً مشهد کارکرد تفریحی ندارد و تفریح جزء وظیفه مسئولین شهر مشهد نیست. خیلی ها هم می گویند نیاز هست منتها با جهت گیری درست. آن جهت گیری صحیح چیست؟ از کجا و چطور باید شروع شود؟ الگو آن چی هست؟ مثلاً بعضی آقایان گفتند نیازی نیست ما در مشهد موج های آبی داشته باشیم اینها بروند جای دیگر و اینجا پایتخت معنوی است و ... جمع این دو، ظرافت خاصی می خواهد که باید مراقبتهای

زیادی داشته باشیم که یک طرف سنگین نشود.

من دقیقاً این موضوع را باز کردم و برایش خط کش دادم، تفریحاتی که در جهت «عارف» به حقه» در مشهد حرکت می کند، بلاشکال هستند ولی تفریحاتی که مردم را از این مسیر، دور می کند، راه غلطی را می روند. اگر هم چیزی تا کنون ساخته ایم، حالا می توانیم آن را جهت بدهیم، عیب ندارد یک جاهایی را ساخته ایم حالا می شود با تغییراتی آن را جهت دهیم تا انسان را به یاد خدا بیاورد نه اینکه از یاد خدا دور کند.

بسیاری از زائران بخصوص جوان ممکن است روح زیارت را درک نکنند. فقط زیارت رفتن آنها را خسته می کند بنابراین دنبال موج های آبی و شهر بازی است تا تفریح کند. اما اگر قبل از زیارت این معرفت به هر مقدار ممکن ایجاد شد به همان مقدار شوق زیارت و درک روح آن و در نتیجه آثار و برکات آن بیشتر می شود. طرح هشت بهشت سعی دارد در حد امکان و به وسیله ابزار روز این معرفت را ایجاد کند. انسان با آموزش معرفت پیدا می کند، من نمی گویم بیست ساعت زیارت بروند، بلکه می گویم بیست ساعت بیاموزند تا کیفیت زیارتشان را ارتقا دهند. مصداقش یعنی همین طرح هشت بهشت قرآنی را که ساخته ایم، هر چیزی که در جهت سخنان امام رضا(ع) بسازیم ولو پارک آبی، شهر بازی، مجموعه تجاری، هتل های درجه یک بسازیم، اما چون در جهت سخنان امام رضا(ع) است خوب است و گرنه نتیجه بدی دارد.

طی سال های اخیر در شهر مشهد چیزهایی ساخته ایم که این جهت گیری را ندارند و حتی جهت مخالف دارند، برای اینها چه باید کرد؟ بایستی مطالعه کنند و در جهت مناسب تغییر دهند، به عنوان

مثال یک پژوهشگر کتابی نوشته اند در مورد بازیهای اسلامی که ۱۵۰ بازی از قرآن است، ما این را به شهر بازی های قرآنی تبدیل کردیم و ممکن است ۵۰۰ بازی برای شهر بازی آیات هم درست کنیم که وقتی بچه ها می روند، هم لذت ببرند و هم با معارف قرآن آشنا می شوند، قصص انبیاء را درک کنند و اوقات فراغت شان پر شود. اگر قرار است شهر بازی درست کنیم باید اینها را در آن جای بدهیم.

بعضی از آقایان که حاکمیتی به مسئله نگاه می کنند، می گویند چون بخش خصوصی است، ما نمیتوانیم مشورت بدهیم اما نمیتوانیم جلوش را بگیریم. حرف من این است که آیا طرح هایی مثل طرح هشت بهشت که فعلاً بخش خصوصی متمایل به آن است، جذابیت دارد یا ندارد؟ به نظر من جذابیت دارد. این طرحی که ما در حال پیاده سازی هستیم، اولاً بخش خصوصی است والگو سازی برای سایر سرمایه گذاران بخش خصوصی است. ثانیاً جاذبه ای معنوی است که وقتی با باهنر و هیجان ترکیب می شود جاذبه اش چندین برابر می شود.

کسانی که شهر بازی های غربی می روند، بعد از چند مرتبه خسته می شوند اما اگر همان شهر بازی در جهت های معنوی و شناخت و آموزه های فرهنگی باشد، جاذبه اش اینقدر زیاد می شود که به دفعات خسته نمی شوی.

در مشهد نمونه هایی همچون پارک زیارت داریم، با این که ظاهراً جهت گیری مناسبی هم دارد اما چندان موفق نبوده است. دلیل این عدم موفقیت چیست؟

برای این که حرفه ای و مخاطب پسند کار نکردند، برای این که روی آن به اندازه کافی فکر و وقت نگذاشتند.